

برنامہ ریزی آموزشی و درسی

تأیف

علی اصغر ماشینچہ - معصومہ احمدی پور

ماشینچی، علواصر، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور

متخصصان نشر

مشخصات ظاهری

شماره

وضعیت فهرست نویسی

فہما :

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

مشاوران افروزمندان

رہے ہیں۔ کنگرہ

رده بندی دیوپی

شماره کتابخانه ملی



- نام کتاب: برنامه ریزی آموزشی و درسی
- تألیف: علی اصغر ماشینچی - معصومه احمدی
- ناشر: انتشارات خانه ریاضیات بوشهر
- نوبت و سال چاپ: اول - دی ماه / ۱۳۹۷
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- صفحه‌آرایی: مهدی رادمهر
- چاپ و صحافی: خانه تبلیغات سپندار
- بها: ۲۸۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۵۸۹-۲-۳

■ تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ می‌باشد. ■

- آدرس: بوشهر، خیابان مطهری، عرفان ۱۷، موسسه باقریان
• تلفن: ۰۹۱۷۱۷۰۰۳۲۵ و ۰۷۷۳۳۳۳۳۰۵۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
معرفی و مسائل برنامه ریزی آموزشی و درسی.....	۱۳
برنامه درسی به عنوان یک مساله.....	۱۴
برنامه درسی و ارزش ها.....	۱۵
مسائل اساسی برنامه ریزی درسی.....	۱۷
فصل اول تاریخچه برنامه ریزی آموزشی.....	۲۳
پیشینه برنامه ریزی آموزشی.....	۲۴
تاریخچه برنامه ریزی آموزشی در اتحاد جماهیر شوروی سابق.....	۲۵
برنامه ریزی آموزشی در کشورهای اروپای غربی.....	۲۵
برنامه ریزی آموزشی در کشورهای در حال توسعه.....	۲۶
نقش یونسکو و دیگر سازمان های بین المللی در توسعه برنامه ریزی آموزشی.....	۲۸
تاریخچه برنامه ریزی آموزشی در ایران.....	۲۹
تاریخچه برنامه ریزی درسی.....	۳۷
جهانی شدن رشته مطالعات برنامه درسی (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰).....	۴۱
مفاهیم، جایگاه و نگرشهای اساسی در برنامه آموزشی و درسی.....	۴۳
تعریف برنامه ریزی.....	۴۳
مراحل برنامه ریزی.....	۴۴
انواع برنامه ریزی در آموزش و پرورش.....	۴۵
طرح ریزی آموزش و پرورش.....	۴۵
برنامه ریزی نیروی انسانی.....	۴۶
برنامه ریزی آموزشی.....	۴۶

- ۷..... اهمیت برنامه‌ریزی آموزشی
- ۸..... ارتباط سطوح برنامه‌ریزی
- ۹..... سطوح برنامه‌ریزی و نتایج آموزشی آن‌ها
- ۹..... برنامه‌ریزی درسی
- ۱۰..... معنای لغوی کری کیولم
- ۱۰..... نگرش‌های اساسی به برنامه‌ریزی درسی
- ۴..... بازسازی اجتماعی یا تطابق اجتماعی
- ۵..... تعاریف برنامه‌ریزی درسی
- ۷..... حلیلی بر نگرش‌ها و تعریف‌های برنامه‌ریزی درسی
- ۱۰..... تعریف جامع مانع

فصل دوم

- ۴..... انواع برنامه‌ریزی
- ۴..... برنامه‌ریزی از نظر زمان: عمل
- ۴..... برنامه‌ریزی از نظر حوزه و دامنه: عمل
- ۵..... برنامه‌ریزی از نظر چگونگی عمل
- ۶..... مراحل برنامه‌ریزی
- ۶..... فرایند برنامه‌ریزی
- ۷..... مراحل برنامه‌ریزی با توجه به الگوی حل مسأله دیرین
- ۸..... مراحل برنامه‌ریزی آموزشی
- ۲..... ویژگی هدف‌ها
- ۳..... منابع کسب اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی آموزشی :
- ۳..... نگاهی به برنامه‌ریزی استراتژیک
- ۴..... فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک:
- ۴..... تفاوت برنامه‌ریزی استراتژیک و برنامه‌ریزی موجود (سنتی)
- ۵..... «برون به درون» در مقابل «درون به بیرون»

۷۷.....	سطوح برنامه‌ریزی آموزشی
۷۸.....	ضرورت توجه به برنامه‌ریزی آموزشی در سطح موسسه
۸۰.....	مراحل برنامه‌ریزی آموزشی در سطح موسسه:
۸۲.....	فعالیت‌های برنامه‌ریزی
۸۴.....	فراهم ساختن زمینه اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها
۸۵.....	برنامه‌ریزی آموزشی خرد
۸۶.....	زمینه‌های پیدایش برنامه‌ریزی آموزشی خرد
۸۷.....	مزایای برنامه‌ریزی آموزشی خرد
۸۹.....	محدودیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی خرد
۹۰.....	برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان
۹۱.....	رویکرد برنامه‌ریزی نیروی انسانی: پیشینه
۹۲.....	ضرورت برنامه‌ریزی نیروی انسانی
۹۴.....	روش تخمین نیروی انسانی
۹۶.....	روش پیش‌بینی نیروی انسانی
۱۰۵.....	محدودیت‌های رویکرد برنامه‌ریزی نیروی انسانی
۱۰۷.....	اصلاح روش برنامه‌ریزی نیروی انسانی
۱۰۷.....	رویکرد هزینه - فایده
۱۱۶.....	رویکرد تقاضای اجتماعی
۱۱۷.....	مدل‌های برنامه‌ریزی آموزشی
۱۲۱.....	فصل سوم فرایند برنامه‌ریزی درسی
۱۲۲.....	نیازسنجی
۱۲۲.....	منابع نیازها
۱۲۳.....	نظام تعلیم و تربیت
۱۲۳.....	اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
۱۲۴.....	الف) اهداف اعتقادی

۱۲۴	 (ب) اهداف اخلاقی
۱۲۴	 (پ) اهداف علمی آموزش
۱۲۵	 (ت) اهداف فرهنگی هنری
۱۲۵	 (ث) اهداف اجتماعی
۱۲۶	 (ح) اهداف زیستی
۱۲۶	 (خ) اهداف سیاسی
۱۲۶	 (ج) اهداف اقتصادی
۱۴۸	 چهره دهی ارزشی
۱۴۹	 تعیین اهداف برنامه درسی
۱۵۴	 تعیین تناسب اهداف با مواد و وسایل آموزشی
۱۵۵	 انتخاب محتوا
۱۵۷	 سازمان دهی محتوا
۱۵۸	 انتخاب و سازمان دهی فعالیت برای یادگیری
۱۶۱	 تعیین روش های یاددهی - یادگرفتن
۱۸۶	 تعیین نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
۱۹۰	 تعیین نقش معلم در برنامه درسی
۱۹۳	 تعیین نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
۱۹۳	 تعیین نقش معلم در برنامه کمکی
۱۹۳	 تولید مواد آموزشی
۱۹۴	 ساختار و ویژگی های کتاب درسی
۱۹۶	 جلوه عناصر برنامه درسی در کتب درسی
۲۰۰	 کتاب راهنمای معلم
۲۰۰	 مدل های برنامه ریزی درسی
۲۰۰	 مفهوم برنامه ریزی درسی
۲۰۳	 مدل های برنامه ریزی درسی

۲۰۴.....	مدل بابت (تکنیکی)
۲۰۶.....	مدل چارترز
۲۰۷.....	مدل تایلر (تکنیکی): چهار اصل اساسی
۲۰۹.....	مدل تبا (تکنیکی)
۲۱۱.....	مدل سیلور و الکساندر (تکنیکی)
۲۱۲.....	مدل تصمیم‌گیری‌ها کینز (تکنیکی)
۲۱۴.....	مدل وین اشتین و فانتی نی (غیرتکنیکی)
۲۲۱.....	فصل چهارم
۲۲۲.....	دگرگونی برنامه ریزی در مدیریت مدارس، مدیریت مدرسه محور مدیریت مدرسه محور.....
۲۲۳.....	نقش ارتباطات در مدیریت مدرسه محور.....
۲۲۴.....	الگوی برای برنامه‌ریزی مدیریت مدرسه محور.....
۲۲۸.....	اثربخشی و کارایی در مدیریت مدرسه محور.....
۲۲۹.....	برنامه‌ریزی برای پیشگیری از شکست انشأ آموزان در مدرسه.....
۲۳۰.....	تشخیص پراکندگی پیشرفت تحصیلی در مدرسه.....
۲۳۱.....	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از شکست تحصیلی در مدرسه.....
۲۳۳.....	ارزیابی برنامه سالانه مدرسه: نظریه کنترل و بازخورد.....
۲۳۷.....	در جستجوی «گنج پنهان»: یادگیری مداوم.....
۲۴۵.....	فصل پنجم
۲۴۶.....	تهیه برنامه آموزشی کشور.....
۲۴۹.....	تدوین هدف‌های برنامه آموزشی کشور.....
۲۴۹.....	روش مبتنی بر تقاضای اجتماعی - فرهنگی.....
۲۵۰.....	هدف‌های کمی و هدف‌های کیفی.....
۲۵۰.....	الف) هدف‌های کلی.....
۲۵۴.....	ب - هدف‌های کیفی.....
۲۵۹.....	روش مبتنی بر تقاضا برای نیروی انسانی.....

الف - بررسی وضعیت موجود در سال پایه	۲۵۹
ب - پیش‌بینی نیروی انسانی موردنیاز در طول برنامه عمرانی	۲۵۹
ج - ارزیابی نیروی کار بر حسب مشاغل	۲۶۱
هـ - تبدیل نیازهای نیروی انسانی به نیازهای کارآموزی (آموزشی)	۲۶۵
تعیین منابع موردنیاز برنامه آموزشی کشور	۲۶۶
منابع آموزشی	۲۶۶
الف-معلمان و تربیت‌معلم	۲۶۶
منابع مالی	۲۶۹
اجراء برنامه آموزشی کشور	۲۷۲
اجرای برنامه	۲۷۳
ارتباط بین برنامه و اجرا	۲۷۵
هماهنگ ساختن آموزش دولتی و بخش خصوصی گیری	۲۷۶
هماهنگ ساختن کمک‌های ملی و بین‌المللی	۲۷۷
مشارکت مردم	۲۸۰
نظارت	۲۸۱
امور مالی	۲۸۲
کارکنان	۲۸۳
ساختمان مدارس	۲۸۳
ارزیابی برنامه	۲۸۴
ارزیابی کار آیی درونی	۲۸۵
ارزیابی کارایی برونی	۲۸۹
ارزیابی کمک‌های بین‌المللی	۲۹۲
اصلاح و تجدیدنظر در برنامه	۲۹۳
منابع	۲۹۴

فهرست جداول

- جدول ۱-۲ سهم بخش‌های مختلف اقتصادی ایران در تولید ناخالص داخلی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور..... ۹۸
- جدول ۲-۲ بهره‌وری کار از لحاظ تولید ناخالص داخلی بر حسب بخش‌های مختلف اقتصادی در سال مبدأ (پایه)..... ۹۹
- جدول ۲-۳ توزیع درصد کارکنان بخش‌های اقتصادی بر حسب طبقات شغلی در سال پایه..... ۱۰۳
- جدول ۲-۵ توزیع درصد کارکنان و بخش‌های مختلف اقتصادی ایران بر حسب طبقات مختلف شغلی در سال ۱۳۰۰..... ۱۰۳
- جدول ۲-۴ نمایش توزیع درصد کارکنان بر حسب سطح تحصیلات در هر یک از طبقات شغلی در سال پایه..... ۱۰۴
- جدول ۲-۵ نمایش تعداد افراد تحصیل کرده برای مشاغل مختلف بر حسب سطح تحصیلات، در سال مقصد..... ۱۰۵
- جدول ۵-۱ تجزیه و تحلیل برنامه هفتگی یک دبیرستان ۱۸ کلاسه..... ۲۶۹
- جدول ۵-۲ طبقه‌بندی هزینه‌های جاری بر حسب پایه‌های تحصیلی و نوع مدارس..... ۲۷۲

فهرست نمودارها و اشکال

- نمودار (۱-۲) مراحل برنامه ریزی آموزشی ۶۹
- نمودار (۲-۲) الگوی عناصر سازمانی ۷۱
- نمودار ۳-۱ ارتباط نیازها یا هدف‌های برنامه درسی ۱۴۹
- نمودار ۳-۲ رابطه هدف‌ها با نیازها و صلاحیت‌ها ۱۵۲
- نمودار ۳-۳ رابطه اجرا با طرح برنامه درسی ۱۶۴
- نمودار ۳-۴ طرح نمایش ساخت‌شناختی ۱۶۹
- نمودار ۳-۵ نمایش ارتباط پیش سازمان دهنده با مطلب جدید ۱۷۰
- نمودار ۳-۱ مدل رابرت ۲۰۸
- نمودار ۳-۲ مدل برنامه ریزی درسی سیلور و الکساندر ۲۱۲
- شکل ۴-۱ الگوی مدیریت مدارس برای بهبود کیفیت آموزش ۲۲۷

پیشگفتار

زمانی که تلاش برای توسعه در کشورهای «جهان سوم» آغاز شد، آموزش و پرورش به دلیل مزایای اجتماعی و اقتصادی و کسب برترهای مورد توجه بیشتری قرار گرفت و توزیع آموزش و پرورش در سطح کشور و چگونگی بهره‌مندی افراد از آن یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی به حساب آمد. اما به دلیل محدود بودن منابع انسانی و مالی و گوناگونی تقاضا برای دستیابی به آن بحث شدیدی را در میان تصمیم‌گیرندگان به وجود آورد و لزوم اتخاذ شیوه‌های انقلابی برای برنامه‌ریزی متناسب با تحولات اجتماعی و تربیتی را موجب گردید. اصلی که در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش بیشتر مورد توجه قرار گرفت در نظر گرفتن ارتباط توسعه آموزش و پرورش با رشد اقتصادی و تربیت نیروی انسانی برای دنیای کار و اقتصاد بود، اصلی که به سرانجام به‌سازی برای کارآموزی و آموزش افراد متخصص و تهیه تجهیزات در سطح دانشگاه‌ها و تربیت کارگران ماهر و نیمه‌ماهر در مدارس متوسطه حرفه‌ای و فنی انجامید.

به‌رغم نظر مسئولان برنامه‌ریزی و مالی، که در مقایسه با سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی در دوره‌های متوسطه و دانشگاهی، سهم نسبتاً کمتری از اعتبارات به تعلیمات ابتدایی و رشته‌های تحصیلی علوم انسانی و هنری، به‌ویژه تربیت معلم برای سطوح مختلف آموزش و پرورش اختصاص یافت، رشد غیرقابل تصور و نامتعارفی در این بخش‌های آموزش و پرورش به وقوع پیوست، و به همراه آن دو پدیده نیز ظاهر شد، یکی، نامتعارفی اجتماعی بر اثر عدم توزیع منطقی آموزش و پرورش در سطح کشور، و دیگری عدم امکان استعادم و یا پیدا کردن کار برای فارغ‌التحصیلان.

امروز با وجودی که برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه بهبود یافته است ملاحظه می‌شود به جای این که دگرگونی‌های اساسی در آموزش و پرورش به وجود آید تنها از گسترش کمی بیشتری برخوردار است. مثلاً، تعلیمات ابتدایی در ظرف ده سال دو برابر شده، و تحصیلات متوسطه و عالی نیز از نظر کمی گسترش چشم‌گیری پیدا کرده است، اما با وجودی که تخصیص منابع مالی برای آموزش و پرورش در مقایسه با رشد تولید ناخالص ملی دو برابر شده است نه تنها رابطه میان آموزش و پرورش و رشد اقتصادی

مبهم و نامشخص مانده است، بلکه کیفیت آن نیز هنوز مورد سؤال قرار گرفته است. شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند اگر برنامه‌ریزی جامع و حساب شده‌ای انجام نگیرد، مشکل بتوان امیدوار شد که رشد آموزش و پرورش از نظر کمی و کیفی سرعت بیشتری بگیرد. آن شواهد از این قرارند:

- ۱- تعداد زیادی از افراد هنوز به مدارس ابتدایی و متوسطه راه پیدا نکرده‌اند.
- ۲- افزایش سریع نسبت تعداد جمعیت کودکان و جوانان به کل جمعیت در کشورهای در حال توسعه چنان است که پیش‌بینی صاحب‌نظران نشان می‌دهد اگر افزایش جمعیت به همین نرخ ادامه یابد بیم آن می‌رود که در آینده نزدیک نصف جمعیت این کشورها زیر شانزده سال یعنی در سن مدرسه‌رو قرار گیرند و در نتیجه نسبت کودکان واجب‌التعلیم که به مدرسه راه پیدا می‌کنند و آنانی که به مدرسه راه پیدا نمی‌کنند افزایش پیدا کند.
- ۳- افزایش نرخ هزینه‌های آموزش و پرورش به‌طور متوسط در سال است. به‌طوری که درصد قابل توجهی از منابع مالی و اعتبارات را به خود اختصاص می‌دهد. با وجود ادامه این افزایش به زحمت می‌توان هزینه‌های آموزش را تأمین کرد.
- ۴- تردید در مورد هماهنگی رشد کمی با رشد کیفی زمانی بیشتر می‌شود که دانش‌آموزان با ملاک پیشرفت تحصیلی سنجیده‌شده در واقع، تعداد بیش از سی درصد از دانش‌آموزانی که در مدارس ابتدایی ثبت نام می‌کنند نمی‌توانند از کلاس چهارم و پنجم ابتدایی به بالا ارتقاء یابند. بخش عظیمی از این افت تحصیلی در سال‌های اول و دوم دوره تحصیلی اتفاق می‌افتد که این پدیده را ممکن است «عدم کارایی داخلی نظام آموزش و پرورش» نامید.
- ۵- سرانجام، مشکل جدی، «عدم کارایی خارجی نظام آموزش و پرورش» است، به این صورت که تعداد کثیری از فارغ‌التحصیلان و ترک تحصیل کرده‌ها نمی‌توانند مشاغل مناسبی را بدست آورند حتی تعداد چشمگیری از آنان بیکار می‌مانند و برخیل بیکاران افزوده می‌شود. به این‌سان، ملاحظه می‌شود برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی درسی، در واقع، دو روی یک سکه‌اند با این تفاوت که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ناظر بر تمام انواع و سطوح مختلف آموزش و پرورش است که با توجه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و منابع مالی و نیروی انسانی قوم و ملتی انجام می‌گیرد. در صورتی که برنامه‌ریزی

درسی شامل پیش‌بینی طرح‌هایی است که مدارس به عنوان وسیله‌ای برای نیل به مقاصد خود مورد استفاده قرار می‌دهند. پس، هسته‌ی مرکزی برنامه‌های آموزش و پرورش بودجه و اعتبارات نیست، بلکه برنامه‌های درسی است و برنامه‌ریز درسی کسی است که می‌کوشد «شرایطی» را برای یادگیری بهتر و رسیدن به هدف‌های آموزشی و پرورشی بیافریند، او هم چون معماری است که با توجه به موضوع آموزش و پرورش -یعنی کودک- و این که چه چیزی، به وسیله چه کسی، و چگونه باید به او آموخته شود به برنامه‌ریزی «ساختمانی» می‌پردازد که مصالح اصلی آن انسانها، آموختنی‌ها و یادگیری است.

به همین مناسبت، در این کتاب، که محتوای آن برای دو واحد درسی تنظیم شده، گرایش بیشتر به سری برنامه‌ریزی درسی بوده است، گرچه برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی هم به فراخور نیاز دانش‌جویان رشته‌ی علوم تربیتی مورد توجه بوده است که امیدوار است برای دستیابی به راه‌حل‌های علمی، مسائل تربیتی راهگشا و سودمند باشد.

سرانجام، ناگزیر از تذکر دو نکته است، یکی سپاسگزاری پیشاپیش از همکاران دانشمند و صاحب‌نظران محترم برنامه‌ریزی است که مولف را در مورد اصلاح کاستی‌ها و غنی‌تر کردن مطالب برای چاپهای بعدی یاری خواهند کرد، دو دیگر بی‌پایان ار مدبر محترم «موسسه انتشارات گلخانه» است که با گشاده‌رویی و در اسرع وقت ممکن موجبات چاپ و انتشارات این کتاب را فراهم آورده‌اند.

مقدمه

معرفی و مسائل برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

الگوی سازمان یافته طرح(های) آموزشی و پرورشی مدارس اصطلاحاً برنامه درسی نامیده می‌شود. توصیف کامل برنامه درسی، حداقل شامل سه جزء است: (۱) وسع آموزشی یا محتوا-یعنی، آنچه آموخته می‌شود. (۲) روش آموزش-چگونگی تدریس و یادگیری، (۳) ترتیب زمانی آموزش موضوع یا محتوا.

اولین جزء-یعنی موضوع آموزشی یا محتوا، شامل کلیه مواد درسی می‌شود که کسب شایستگی نسبی درباره‌ی آنها از طرف یادگیرنده مورد نظر است. این آموختنی‌ها، موضوعهای علمی^۱

مشخصی هستند که به طور معمول «برنامه درسی» نامیده می‌شوند مانند زبان و ادبیات، ریاضیات، علوم طبیعی، تاریخ و علوم اجتماعی، و هنرهای زیبا. همه این دروس ممکن است شامل دروس عملی مربوط به حرفه و فن باشد که یا به خاطر علاقه یادگیرنده و یا بیشتر به خاطر کسب حرفه و شغل در برنامه منظور می‌شوند. سایر دروس ترکیبی از این دو گروه-دروس عقلانی و عملی-است که برای آماده کردن افراد به مشاغل خدماتی، که مستلزم آموزش است، در نظر گرفته می‌شوند مانند حقوق، طب و الهیات. هنوز دروس دیگری وجود دارند که اصلاً نه عقلانی و نظری، و نه عملی هستند، بلکه آنها را باید به عنوان دروسی برای رشد و جهت‌گیری شخصی توصیف کرد. در این گروه دروسی مانند تربیت بدنی، بهداشت روانی و ایمنی قرار می‌گیرند که برای توسعه روانی، اندیشه‌ای و رشد شیوه نگرش‌ها و ارزش‌های مطلوب در نظر گرفته می‌شوند.

برنامه درسی با عنوان یک مساله

بدیهی است که دانش باید دارای برنامه درسی باشند، زیرا بدون دروس آموزشی موسسه تربیتی معنا و مفهومی نخواهد داشت. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود: «برنامه درسی چه باید باشد؟ آیا برنامه درسی واقعاً مساله است؟ پاسخ سؤال این است که تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی خاصی تصمیم‌گیری درباره آموختنی‌ها آسان است و برنامه درسی مدال‌های بیسته، به این صورت که اگر هیئتی از معرفت محدود با مجموعه‌ای از مهارت‌های معین، سرمایه‌های فرهنگی جامعه‌ای را تشکیل دهند، همان‌ها موضوع‌های ضروری و مناسب برای یادگیری، در نظر گرفته می‌شوند. آنگاه که یادگیرنده در آنها تسلط پیدا کرد، فرد «فرهیخته‌ای» شایسته می‌شود که تحصیلات خود را به اتمام رسانده است. به همین ترتیب، زمانی که در جامعه‌ای برای هر فرد نقش یا نقش‌های ثابت و محدودی تعیین شود، دروس مورد یادگیری مربوط به آن‌ها نیز به آسانی تعیین و تجویز می‌شوند. در آنجا هم هیچ مساله قابل توجهی برای تحصیل آموزشی بی‌اندازه کم است. اما، آموزش و پرورش مدرسه‌ای باید به طور روشن روی ایجاد صلاحیت‌های مقدماتی لازم برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و تأمین زندگی متمرکز گردد.

برنامه درسی تنها در جوامع پیشرفته و نسبتاً آزاد، در جوامعی که فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای برای تحصیل وجود دارد، مساله است. زیرا انتخاب باید از میان امکانات متعدد متفاوت صورت

گیرد. در تمدن جدید، میراث فرهنگی معیار محدود ندارد؛ در نتیجه، موضوع و محتوا نیز به طور نسبی ثابت نیستند، بلکه از نظر تعداد زیاد و از نظر محتوا بسیار وسیع و پیچیده هستند. بعلاوه، موضوع و محتوای برنامه‌های درسی به طور دائم مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند و یا دیگر امکان ندارد که شخصی با توانایی‌های استثنایی بتواند تسلط دیگر امکان ندارد که شخصی با توانایی‌های استثنایی بتواند تسلط قابل قبولی را درباره همه رشته‌های یادگیری به دست آورد، ناگزیر برای وی نیز باید از میان مواد آموختنی بسیار و نامحدود، انتخابی صورت گیرد. با فرض این که جامعه‌ای چنان سازمان یافته باشد که انتخابی را میسر سازد و با فرض اینکه تحصیل آموزشگاهی برای افراد هم فراهم شده باشد. برنامه درسی با مساله اتخاذ عاقلانه‌ترین تصمیم درباره انتخاب چند چیز معدود از میان موضوع‌های با ارزش متعدد برای آموختن مواجه می‌شود.

برنامه درسی، به طور روزمره، یک مساله اقتصادی هم است. متأسفانه ظرفیت موجود انسانی برای یادگیری محدود است. هیچ‌کس نمی‌تواند همه مهارت‌ها و معرفت و دانش موجود را یاد بگیرد، حتی اگر شخص تمام اوقات زندگی خود را صرف یادگیری (تحصیل) کند باز هم نمی‌تواند شایستگی لازم را در همه آنها کسب کند. زندگی خیلی کوتاه است و فراموشی هم آن را کوتاه‌تر می‌کند. به بیشتر مردم هم موهبت بیشتر ظرفیت یادگیری اعطاء نشده است. بعلاوه، در زندگی کارهای زیادی وجود دارند که به دلیل کمبود کسب علم و معرفت جدید انجام گیرند. از طرفی، بیشتر مردم بیشتر وقت خود را به امور غیر از کسب معرفت صرف می‌کنند. همه این عوامل محدودکننده، شکاف و عدم تناسب میان سرمایه فرهنگی غنی موجود و ظرفیت محدود یادگیری فرد را بیشتر می‌کنند؛ بنابراین، مساله برنامه درسی اقتصادی کردن توانایی محدود یادگیری است که باید از طریق انتخاب عاقلانه و مناسب موضوع و محتوای درسی صورت گیرد. هوش انسان گرانبهارتر از آن است که صرف یادگیری طرح آموزشی اتفاقی و خلق الساعه شود.

برنامه درسی و ارزش‌ها

انتخاب یادگرفتنی‌ها مستلزم اصل یا اصولی است، به طور مسلم باید ملاک و معیاری باشد تا بتوان براساس آن داوری کرد که کدام موضوع با اهمیت‌تر از دیگری است و کدام یکی باید

نادیده گرفته شود. از آنجایی که نمی‌توان درباره همه چیز تسلط کامل پیدا کرد باید مشخص شود کدام یادگرفتن‌گی‌ها به طور حتم ضروری هستند. همچنین، برای تصمیم‌گیری درباره تقسیم بهینه مدت تحصیل آموزشگاهی برای تخصیص دروس متعدد انتخاب شده، به ملاک و معیاری نیاز است. این معیارها ریشه در ارزش‌ها دارند و مسأله اصلی در همه انواع آموزش و پرورش نیز همان مسأله ارزش‌هاست.

مربی باید جهتی را انتخاب کند که اعتقاد دارد در آن جهت رشد یادگیرنده به بهترین وجه صورت می‌گیرد بدون داشتن اعتقاد بر این که کدام راه یا روش مرجح بر روش‌های دیگر است نمی‌توان تصمیم گرفت. داشتن اعتقاد به این که چه چیزی بهترین یا مرجع است متضمن میزانی از ارزش‌هاست. بنابراین، همه فعالیت‌های تربیتی با ارزش‌های فردی ارتباط پیدا می‌کند.

برنامه درسی در واقع همان برنامه آموزشی پیشنهادی است که بیانگر کشاندن یادگیرنده به سویی است که برای سر وی ترجیح داده شده است، و آن-یعنی برنامه درسی، تکیه برنظام ارزش‌ها می‌کند. این ارزش‌ها تعیین‌کننده آرمان‌ها، هدف‌ها و مقاصد تربیتی هستند و برنامه درسی وسیله‌ای برای رسیدن به آن‌ها، تحقق هدف‌ها، و انجام دادن مقاصد تربیتی است. بیشتر اوقات برنامه‌ریز از ارزش‌هایی که متضمن انتخاب برنامه درسی است آگاهی ندارد. همین موضوع ممکن است موجب تعارض و تردید در تصمیم‌گیری شود زیرا مبنای انتخاب، روشن و واضح نیست. یکی از نقش‌های مهم فلسفه آموزش و پرورش ایجاد عکس‌العمل روی برنامه درسی به منظور روشن ساختن ارزش‌ها و مقاصد تربیتی است که در پشت سر برنامه پیشنهاد نهفته است.

بعلاوه بعضی آرمان‌ها و هدف‌های تربیتی ممکن است مورد حمایت کامل قرار گیرند اما، با هدف‌هایی که در پشت سر برنامه درسی است کاملاً مغایرت داشته باشند. مثلاً، ممکن است برنامه‌ریز به طور واقعی بخواهد یک نگرش علمی راجع به برنامه داشته باشد، اما از طریق انتخاب مواد درسی مورد پذیرش صاحبان اقتدار، عملاً برنامه درسی غیرفعال و ناسازگار پیشنهادی آنان را با هدف‌ها تأیید کند. تحلیل فلسفی برنامه درسی ممکن است این تباین و ناسازگاری موجود میان دروس پیشنهادی با هدف‌های تربیتی را برطرف کند و برنامه‌ریز را متقاعد کند به این که باید میان برنامه درسی، و هدف‌های تربیتی، هم‌چنین میان موضوع‌ها و محتوای آنها سازگاری به‌وجود آید.

مسائل اساسی برنامه ریزی درسی

مسائل اساسی مورد بحث برنامه ریزی درسی از این قرار هستند:

۱- چه کسی تعیین کند که چه چیزی باید آموخته شود؟

آنگاه که بخواهیم روی مساله «چه چیزی باید در مدارس آموخته شود» کار کنیم، کار خود را به طور منطقی با این سؤال شروع می کنیم که: چه کسی باید برنامه درسی را تعیین کند؟ آیا لازم است که تعیین کننده برنامه اهل تخصص، عموم مردم، معلمان، کودکان و جوانان، دولت مردان باشد یا ترکیبی از این گروه ها؟

۲- برای تصمیم گیری درباره آنچه باید آموخته شود؟ چگونه کار خود را سازمان دهیم و آن را به انجام برسانیم؟

اگر معتقد باشیم که اتخاذ تصمیم درباره آنچه آموخته می شود یک امر گروهی و تعاونی است، در این صورت باید تصمیم گیریم چگونه کار خود را سازمان دهیم و چگونه اقدام کنیم. در این مورد سؤالاتی از این قبیل مطرح می شوند، چه کسی رهبری را به عهده بگیرد؟ چگونه مردم در آن درگیر شوند؟ تصمیمات نهایی اتخاذ و به مورد اجرا گذاشته شوند؟ جریان کار چگونه جامع، مداوم، و مشترک ترتیب داده شود؟

۳- برای تعیین آنچه باید آموخته شود، به چه منابعی باید مورد استفاده قرار گیرند؟ امروز به تعداد افراد، عقایدی درباره آموختنی ها در نظام های درسی وجود دارد. متأسفانه تعداد کمی از افراد وقت خود را، به طور ضروری، برای رسیدن به نتایج مطمئنی روی چیزهایی که باید یاد گرفته شوند، صرف کرده اند. در بیشتر موارد روی ها بدون پایه و اساس هستند. در صورتی که تایلر^۱ پیشنهاد می کند که برای تعیین برنامه درسی نباید از منابع قابل دفاعی مانند مطالعه کودک، جامعه و زندگی امروزی، نظر متخصصان مواد درسی، فلسفه آموزش و پرورش و روان شناسی یادگیری استفاده کرد.

۴- آیا برای همه کودکان و جوانان باید یک برنامه جامع تدوین شود؟

با توجه به تعداد روزافزون دانش آموزان مدارس، و تعداد دانش آموزانی که مدت زیادتر از

معمول در مدرسه باقی می‌مانند، و با توجه به تفاوت‌های نسبتاً زیاد در رغبت‌ها و نیازهای کودکان، و با در نظر گرفتن تقاضای فزاینده جامعه برای آموزش و پرورش کودکان و جوانان، موضوع جامعه بودن برنامه درسی باید قبل از تصمیم‌گیری درباره یادگرفتنی‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بعلاوه، یک برنامه درسی جامع سؤالاتی را درباره وسایل تأمین تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مانند دروس برای کودکان کم‌استعداد، دروس برای کودکان تیزهوش و درخشان، امکان گروه بندی دروس و برنامه‌های درسی مضاعف در مدارس مطرح می‌کند که باید به آنها به‌طور مناسب و منطقی پاسخ داد.

۵- چه چیزی به عنوان آموزش و پرورش عمومی و چه چیزی به عنوان آموزش و پرورش تخصصی باید در نظر گرفته شود؟

تصمیم‌گیری درباره یادگرفتنی‌ها از این لحاظ که آیا درس یا موضوعی، به اعتبار ارزش کلی آن در زندگی روزانه، برای همه دانش‌آموزان اجباری باشد، یا به اعتبار ارزش خاص آن درس برای فرد دانش‌آموز، با توجه به رغبت‌ها و نیازهای ویژه او انتخابی باشد، کاملاً متفاوت است. بیشتر مربیان را عقیده بر این است که آموزش و پرورش عمومی همیشه باید اول، و آموزش و پرورش تخصصی بعد از آن باشد. آن‌ها در صورتی که بودجه اجازه دهد. هرچند که این یک مسأله مشکلی است، زیرا نه تنها تعیین این که چه کسی چه نیازی دارد مشکل است، بلکه تعیین این که آیا موضوع‌های درسی تخصصی و موضوع‌های درسی عمومی برای فرد دارای اهمیت یکسانی هستند یا نه، کار سهل و سادگی نیست. در اینجا مجدداً سوال قدیمی: کدام درس یا دروسی برای تعدادی از دانش‌آموزان ضروری است و برای تعدادی ضروری نیست، مطرح می‌شود.

۶- تعادل و توازن میان یادگرفتنی‌ها چگونه باید برقرار شود؟

دانشمندان و مهندسان متفکر برنامه درسی را محدود به دروس علمی و ریاضی نمی‌کنند. زیرا، آنان نیاز به سایر دروس مانند زبان و ادبیات، علوم اجتماعی، زبان‌های خارجی، ورزش و تربیت بدنی، و هنرهای فرنگی را تشخیص می‌دهند. بیشتر مباحثات معمولاً درباره تأکید بر تعداد دروس علمی برای دانش‌آموزان و دانشجویان آن رشته‌هاست. هرچند، افرادی نیز در جامعه وجود دارند که نسبت به مسائل احساسات خاصی نشان می‌دهند، برای آنان فرق

نمی‌کند که این مسائل احساسات خاصی نشان می‌دهند، برای آنان فرق نمی‌کند که این مسائل مربوط به دروس شهروندی، تربیت بدنی، بهداشت روانی، و ایمنی باشند یا علوم و دانش مربوط به مهندسی. شاید بهتر آن باشد که مربیان با اجتناب از هرگونه شتاب و هیجان‌زدگی سرخود را بگیرند و به آرامی برای تهیه و تدوین برنامه درسی متوازن کار کنند.

۷- کدام مواد و موضوع‌های درسی باید مورد توجه شایانی قرار گیرند؟

اگر معتقد به برنامه متوازن برای همه دانش‌آموزان باشیم، و اگر معتقد باشیم به این که اصلاح و بهبود برنامه یک جریان دائمی است، در آن صورت باید آماده و خواستار عطف توجه جدی به حوزه‌های بحث‌انگیز برنامه و دروس جانشین باشیم. نه از این نظر که مواد و بحث‌انگیز برنامه و دروس جانشین باشیم. نه از این نظر که مواد و دروسی از حوزه‌های برنامه، به طور ضروری، نیاز به اضافه یا حذف شدن دارند بلکه از این جهت که دروس حوزه‌هایی از برنامه ممکن شدن دارند بلکه از این جهت که دروس حوزه‌های از برنامه ممکن است به اصلاح و یا به تعبیر و تصریح بیشتر نیاز داشته باشند، و یا به آن جهت که تحقیقات جدید و تصریح بیشتر نیاز داشته باشند و یا به آن جهت که تحقیقات جدید و تجارب، لزوم بازبینی و اصلاح آنها را ایجاب می‌کنند. مثلاً بعضی از دروس بحث‌انگیز در مدارس ابتدایی و راهنمایی، که نیاز به تعبیر و تفسیر بیشتر و یا اصلاح دارند از این قرار هستند: علوم، آشنایی با حرفه و فن، هنر، تربیت بدنی، بهداشت و ایمنی، زبان خارجی، جغرافیا، تعلیمات اجتماعی به طور کلی، و تعلیمات دینی. افراد متفاوت خواستار دروس متفاوت هستند؛ اما بی‌یهی است که مدرسه نمی‌تواند همه دروس را یاد بدهد و ناگزیر باید دروسی را از میان آنها انتخاب کند و زمان متفاوتی را برای یادگیری آنها در نظر گیرد.

۸- چگونه می‌توانیم آنچه را که باید آموخته شود، تدریس کنیم؟

در جریان تصمیم‌گیری در مورد آنچه باید آموخته شود، همیشه باید نحوه تدریس برنامه درسی را در نظر بگیریم. ارزش هر ماده و موضوع درسی در برنامه موقعی است که بتوان آن موضوع را به طور مؤثر تدریس کرد. انتقادهایی که متوجه بعضی جنبه‌های برنامه درسی است ممکن است نتیجه تدریس بلااثر باشد. مسأله‌ای که باید مورد توجه جدی قرارگیرد میزان استفاده از روش‌های تدریس مانند حفظی، گفتاری، و تلقینی است که مطابق با «نظریه‌های

تداعی‌نگری یا پیوندنگری یادگیری»^۱ ثوراندایک و دیگران هستند و بیشتر معلمان از آنها استفاده می‌کنند. در اینجا این سؤال اساسی مطرح است که چگونه می‌توانیم معلمان را به کار بردن روشهایی که براساس «نظریه‌های میدانی یادگیری»^۲ که در آنها از تحلیل روابط، و تعمیم و غیره استفاده می‌شود، ترغیب کنیم. هم‌چنین، معلمان را به استفاده از شیوه‌های تحقیق و تفکر انتقادی، که اکنون برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و تربیتی بکار برده می‌شوند، تشویق کنیم.

۹- هزینه آنچه آموخته شود، چگونه باید تأمین گردد؟

در تعیین و انتخاب مواد و موضوع‌ها برای آموختن این نکته که هزینه آنها چگونه و از کجا تأمین خواهند شد باید مود توجه قرار گیرد. هم‌اکنون با مشکل جا و مکان برای کلاس درس و کارگاه و آزمایشگاه و کتابخانه مدارس روبرو هستیم که به نحوی باید حل و فصل شود. با توجه به این که برنامه‌ریزی رسمی برای آینده صورت می‌گیرد، برنامه ریز به طور مسلم باید در تعیین موضوع‌های درسی برای تدریس، هزینه پیاده کردن آنها را نیز در نظر بگیرد. مثلاً، اگر برنامه‌ریز معتقد باشد به این که در مدارس رهنمائی و اگر برنامه‌ریز معتقد باشد به این که در مدارس راهنمائی و دبیرستان‌های دخترانه باید دوشاخه‌ای و خیاپی به طور مؤثر و کاربردی تدریس شوند، باید مسائلی نظیر تخصیص حداقل یک اتاق در هر مدرسه برای هر یک از دروس یاد شده با وسایل لازم را پیش‌بینی کند و هزینه آنها را در سطح منطقه و کشور برآورد نمایند. بالاتر از این، او باید نسبت به تأمین و تربیت معلم و مربیان که بتواند برنامه پیش‌بینی شده را به صورت مطلوب پیاده کند طرح‌هایی را تهیه کند و ارائه دهد. بی‌شک همه این مسائل با امور مالی و تأمین هزینه‌هایی مربوط سروکار دارند، که در صورت عده پیش‌بینی و تأمین هزینه‌های لازم از سوی مقامات، برنامه به طور مؤثر به مرحله اجرا درخواهد آمد.

۱۰- موضوع‌هایی که تدریس شده‌اند، چگونه باید ارزشیابی شوند؟

مسلماً، بعضی موضوع‌ها بیش از سایرین دارای اهمیت هستند و بعضی موضوع‌ها نیز بهتر از

1. Association theories of learning

2. Field theories of learning

نظریه‌های میدانی یادگیری، دسته‌ای از نظریه‌های شناختی است که معتقدند یادگیری در نتیجه تغییر در ساخت شناختی در اثر تغییرات ایجادشده در میدان روان‌شناختی صورت می‌گیرد مانند نظریه کورت لوین.

سایرین آموخته می‌شوند. اما همیشه آماده بوده‌ایم به جای این که چیزی از برنامه درسی کم کنیم، مواد و موضوع‌های تازه‌ای هم بر آن اضافه کنیم. شاید دیگر موقع آن رسیده باشد که ملاک و معیار، و شیوه‌های برای سنجش دروس براساس منابعی که برنامه درسی تعیین و انتخاب می‌شوند، برقرار کنیم و میزان اثربخشی و یا ضرورت ماده یا مواد درسی را با توجه به همه جوانب ارزشیابی کنیم و نتیجه ارزشیابی را در برنامه‌ریزی بعدی بکار بندیم.

www.ketab.ir